

ثبت نام نامزدان انتخابات ریاست جمهوری دولت دست نشانده کرزی

دولت دست نشانده کرزی که متشکل از خائنین ملی، باندهای وطن فروش خلقی، پرچمی - جهادی - طالبی - افغان ملتی - سزائی و عده از تسلیم طلبان فرومایه میباشد، توسط دولت امپریالیستی امریکا و قوای ناتو با ریختن هزاران تن بمب و لشکرکشی هوایی وزمینی بعد از سقوط طالبان توسط کنفرانس نام نهاد بن تشکیل گردید. دولت دست نشانده کرزی یک دولت مزدور و مستعمره است که از خود نه استقلال دارد و نه آزادی و تمام تصمیمات آن توسط باداران امپریالیست بین المللی و حامیان منطقوی آن گرفته میشود. راه اندازی انتخابات ریاست جمهوری در کشور مستعمره افغانستان مضحکه ای بیش نیست زیرا این امریکا و قوای ناتو است که تصمیم گیرنده اصلی انتخابات هستند و هر خائن، جاسوس، مزدور و وطن فروش را که برای آنها بهتر بتواند مزدوری و چاکری کند. به عنوان رئیس جمهور انتخاب میکنند. برای اندازی انتخابات قلابی و فرمایشی جز فریب کاری و دغل بازی چیز دیگری نیست. در دوره انتخابات قبلی همه شاهد هستند که در انتخابات تقلب صورت گرفت و صندوق های رأی گیری در اکثر محلات از طرف مسئولین دولتی و انتخاباتی شکستانده شد و رأی های تقلبی در صندوق ها به نفع کرزی ریخته شد. اگر چه هر دو کاندید چه کرزی و چه عبدالله عبدالله نوکر امپریالیزم و نماینده ملاک بروکرات و تاجر بروکرات بوده و از یک آخور تغذیه میکنند و نوکروفر مان بردار از تجاع و امپریالیزم هستند. اما چون جناح کرزی به امپریالیزم امریکا و مزدور منطقوی آن، دولت پاکستان و شیخ های عرب نزدیک تر بود، بناءً تصمیم بر آن شد که جناح کرزی را باید برنده انتخابات اعلان کنند. در دودوره انتخابات گذشته یک تعداد احزاب و سازمان های باصطلاح دموکرات و مترقی مانند حزب آزاده گان و سازمان رهائی (که بخش از آن نام سازمان انقلابی را به خود گذاشته است) نیز به نفع جناح کرزی تبلیغ و ترویج نمودند. دادنورانی فقید رهبر سازمان انقلابی بنا بر تعهدی که سازمان رهائی در کنفرانس بن داشت، عملاً در خدمت تیم کرزی قرار گرفت و به نفع آن مبارزات انتخاباتی را دامن زد و آن را در اذهان مردم دموکرات و مترقی جلوه داد. در انتخابات که اکنون پیش رو است. باز هم دولت امپریالیستی امریکا، قوای ناتو و حامیان منطقوی آن ها تصمیم گیرنده اصلی هستند. نظریه آخرین گزارش کمیسیون انتخابات دولت دست نشانده کرزی تا حال در حدود 27 نفر از وطن فروشان و نوکران امپریالیزم و حامیان منطقوی آنها به عنوان نامزدان ریاست جمهوری به کمیسیون انتخابات ثبت نام نموده اند. که در اینجا به طور نمونه چند نفر آن را معرفی می کنیم.

1- عبدالله عبدالله کاندید حزب جمعیت اسلامی و جبهه ملی که معاون اول آن شخصی به نام محمدخان از حزب حزب اسلامی شاخه ارغندیوال و معاون دوم آن محقق رهبر حزب وحدت اسلامی میباشد. عبدالله عبدالله در شورای نظارتی از فرمان برداران و نزدیکان احمدشاه مسعود بود که در تمام جنایات احمد شاه مسعود بویژه کشتار مردم بی دفاع کابل شریک جرم وی میباشد. بعد از تجاوز امپریالیزم امریکا به افغانستان و سقوط رژیم طالبان مدتی به حیث وزیر خارجه در رژیم دست نشانده کرزی ایفای وظیفه نموده است. عبدالله عبدالله در ضمن نوکری به امپریالیزم جنایتکار امریکا روابط خوبی با ایران و روسیه هم دارد. در این روزها شایعاتی از طرف طرفدارانش پخش میشود که رژیم آخندی ایران تعهد نموده است که 30 فیصد مخارج انتخاباتی آن را در انتخابات سال 1393 بپردازد.

2- عبدالرب رسول سیاف که معاونین اول و دوم آن به ترتیب اسماعیل خان مربوط جمعیت اسلامی و عبدالوهاب عرفان سناتور سابق از قوم ازبک میباشد. عبدالرب رسول سیاف رهبر حزب اتحاد اسلامی که حال به حزب دعوت تغییر نام داده است، در طول دوازده سال حکومت دست نشانده کرزی یکی از متحدان نزدیک کرزی بوده که همیشه با فتوهای تقلبی از دولت دست نشانده کرزی حمایت نموده است و اشغال افغانستان را توسط امپریالیزم جنایت کار امریکا و قوای ناتو را مشروعیت اسلامی داده است. وی یکی از دین فروشان شیاد است که از کومک های گسترده و هابیان عربستان سعودی و شیخ های عرب برخوردار است. نامبرده یکی از جنایت کاران جنگی است که با تنظیم خود در غارت و چور و چپاول و قتل و بی ناموسی مردم افشار متحد نزدیک احمد شاه مسعود بود و هزاران نفر را به قتل رسانده، اموال و اجناس شان را به غارت برده و بر بعضی از زنان آنها تجاوزات جنسی هم نموده اند.

3- اشرف غنی احمدزی یکی از تکنوکرات های شئون نیست و نوکر گوش به فرمان امپریالیزم جنایت کار امریکا است که مدتی به حیث وزیر مالیه و مدتی هم به حیث رئیس دانشگاه کابل و در دوسال اخیر باصطلاح وظیفه انتقال قدرت از نیروهای خارجی به نیروهای افغانستان را به عهده داشته است و یکی از متحدان نزدیک کرزی میباشد. معاون اول آن عبدالرشید دوستم یکی از ملیشه های خونخوار رژیم دست نشانده خلقی - پرچی نوکران سوسیال امپریالیزم شوروی میباشد که بعد از شکست "شوروی" با احمد شاه مسعود ائتلاف کرد و بعد با حزب اسلامی گلب الدین حکمتیار یکجا شد و در جنگ های که با احمد شاه مسعود براه انداختن، سه بر چهار حصه کابل را ویران نمودند و بیش از 65 هزار باشندگان مردم کابل را به قتل رساندند، اموال و دارائی های آن هارا به تاراج بردند و به ناموس بعضی از باشندگان کابل بویژه اهل هنود تعرض جنسی رو داشتند و معاون دوم آن سروردانش از حزب وحدت اسلامی می باشند.

4- گل آقا شیرزی یکی از جنگجویان که در بیرون راندن طالبان با نیروهای اشغالگر همکاری نمود و بعد از سقوط رژیم طالبان به حیث والی قندهار و مدتی به حیث وزیر فواعد عامه کار کرده است و بعد

تا همین اواخر به حیث والی ننگرهار ایفای وظیفه نموده است. معاونین آن سید حسین عالمی بلخی و محمد هاشم زارع میباشند.

5- زلمی رسول وزیر خارجه کرزی معاون اول آن ضیا مسعود برادر احمد شاه مسعود یکی از قوماندانان مشهور که در ویرانی کابل و فاجعه افشار نقش اساسی داشت. معاون دوم آن حبیبه سرابی والی بامیان میباشد.

5- قطب الدین هلال معاون حزب اسلامی حکمتیار و یکی از جنایت کاران مشهور آن حزب میباشد. معاونینش عنایت اله عنایت و محمد علی سخی زاده میباشند.

6- قیوم کرزی برادر حامد کرزی رئیس جمهور دولت دست نشانده فعلی است معاون اول و دومش بالترتیب وحیدالله شهرانی و ابراهیم قاسمی میباشند.

7- عبدالرحیم وردک سابق وزیر دفاع دولت دست نشانده کرزی که معاونینش عبدالاحد فضلی و سید حسین نوری سابق یکی از قوماندانان جهادی آیت الله محسنی میباشند.

اشخاصی که در بالا از آن ها نام برده شد همه مزدور و نوکر امپریالیزم جنایت کار امریکا و قوای ناتو و حامیان منطقوی آن پاکستان ایران و امپریالیسم روسیه میباشند و در دوازده سال گذشته در دولت دست نشانده کرزی شریک بودند و نقش مؤثری به نفع او تجاع و امپریالیزم ایفا نموده اند. دولت دست نشانده کرزی از جناح های مختلف وطن فروشان و خائنین ملی تشکیل گردیده است و هر جناح آن به یکی یا چند کشور خارجی که در قضایای افغانستان دخیل هستند ، وابسته بوده و از طرف آن کشور ها حمایت میگردند. ولی به صورت اساسی دولت دست نشانده از دو جناح عمده ، طرفداران کرزی و عبدالله عبدالله تشکیل گردیده و تمام جناح های خورد و بزرگ دیگر و ائتلاف های انتخاباتی به هر شکل و شمایلی که باشند در نهایت به مدار همین دو جناح بزرگ می چرخند و در انتخابات آینده به نفع این دو جناح در حال تجزیه میباشند. هر دو این جناح به سیستم جهانی امپریالیستی و سرمایه داری وابسته میباشند.

1- جناح کرزی نوکر گوش به فرمان امپریالیزم جنایت کار امریکا ، قوای ناتو و هم پیمانان منطقوی آنها مثل عربستان سعودی قطر ، پاکستان و قسماً ایران میباشند که شامل عده ای از تکنوکرات های خائن و وطن فروش مثل اسپینتا ، اشرف غنی احمدزی ، حزب شئونیستی "افغان ملت" و بعضی تنظیم های جهادی مثل تنظیم سیاف ، حرکت اسلامی محسنی، حزب وحدت خلیلی و حزب اسلامی جناح ارغندیوال و عده ای از طالبان تسلیم طلب مثل ملا ضعیف و متوکل را در بر میگیرد. گرچه حزب وحدت خلیلی و حرکت محسنی سر در آستان دولت اسلامی ایران دارند ، اما به خاطر وحدت ایران با امریکا و مبارزه مشترک آنها بر ضد القاعده و طالبان حزب وحدت خلیلی و حرکت محسنی با پیروی از ایران در وحدت باکرزی قرار گرفتند و خلیلی به حیث معاون اول کرزی نقش بازی میکند.

2- جناح عبدالله عبدالله عضو حزب جمعیت اسلامی - شورای نظار و جبهه ملی که متشکل از جمعیت اسلامی - شورای نظار - حزب وحدت محقق و جنبش ملی اسلامی عبدالرشید دوستم میباشد. این ها در ضمن اینکه به سیستم جهانی امپریالیستی تعلق دارند. وابستگیهای نزدیک به کشورهای ایران، روسیه، ترکیه و چین هم دارند و نقش بورژوازی کمپرادور را با این کشورها ایفا میکنند، از همین لحاظ است که بعضی اوقات با پاکستان مخالفت نشان میدهند. ناگفته نباید گذاشت که جناح های خورد و کویچک دیگری هم وجود دارند که به دولت های مختلف خارجی که در قضایای افغانستان دخیل هستند وابسته بوده از طرف آنها پشتیبانی میشوند. این جناح بندی ها همیشه ثابت و یکنواخت نیستند و در بعضی مواقع بعضی از افراد این تشکل ها و جناح ها بخاطر کسب امتیاز بیشتر جا عوض نموده به جناح های متقابل می پیوندند، چنانچه در دوره انتخابات پیشین محقق رهبر حزب وحدت به نفع کرزی فعالیت نمود و اکنون در کنار عبدالله عبدالله ایستاده است. همچنان مارشال قسیم فهیم که سابق در تیم کرزی فعالیت داشت اکنون در کنار عبدالله عبدالله قرار گرفته است. همین قسم ضیا مسعود که رئیس جبهه ملی است اما در ائتلاف های کنونی متحد زلمی رسول میباشد که به جناح کرزی نزدیک است. همچنان ژنرال دوستم که عضو جبهه ملی است و به جناح عبدالله عبدالله نزدیک است در ائتلاف های انتخاباتی کنونی متحد اشرف غنی احمدزی است که به جناح کرزی نزدیک میباشد. ژنرال دوستم، قسیم فهیم، محقق، خلیلی، اسماعیل خان، انوری که هر کدام شان لشکر ملیشه ای دارند. در صدد آن هستند تا هر کدام شان کرسی های معاونیت ریاست جمهوری را از آن خود کنند. از همین لحاظ است که ارتجاع و امپریالیزم تعداد کاندید هارا بیشتر ساختند تا از یک طرف رقابت انتخاباتی را دامن زده و تعداد بیشتر مردم را به پای صندوق های رأی بکشانند و انتخابات را "دموکراتیک" نشان دهند. از طرف دیگر دل همه این وطن فروشان را در دست گرفته باشند و با یک لقمه حلوا دهن آنها را شیرین نمایند. چون چوکی معاونیت کم است و کاندیدان معاونیت بسیار. به همین خاطر آنها را در رقابت انتخاباتی قرار داده است تا مانند برنامه آواز افغانستان هم کاندید دلخواه خود را به قدرت برسانند و هم دگر کاندیدان را اقناع نموده باشند که گویا نقش اساسی را مردم دارند. زمانیکه بین عبدالله عبدالله و محقق پروتوکول شد و محقق به حیث معاون دوم عبدالله عبدالله تعیین گردید و جایی برای ضیا مسعود و عبدالرشید دوستم نماند. مخالفت بین آنها شروع گردید و به افشای برضد یکدیگر آغاز نمودند. محقق اخیراً بدون اینکه هم پیمان دیرین خود جنرال دوستم را با خود داشته باشد، به تیم انتخاباتی عبدالله عبدالله پیوست و چوکی معاونیت دوم را در تیم عبدالله عبدالله از آن خود کرد. محقق ضمن اینکه در مورد دلایل این اقدام توضیح داد، جزئیات تمام دیدارهای مهم بین خودش و دیگر رهبران سیاسی را افشاء نمود. محقق در نامه که به یکی از دوستانش ارسال کرده است، نوشته است که "اوپا ژنرال دوستم و عطا محمد نور در تاشکند با دست گذاشتن روی قرآن سوگند خورده اند" امسال بتاريخ 16 اکتوبر؟! در تاشکند ما سه نفر محقق، دوستم و عطا محمد نور در منزل کمال ریش تعهد و قرآن کردیم که در

انتخابات یکجا میرویم. ولی وقتیکه داخل افغانستان آمدیم. جنرال صاحب (ژنرال دوستم) دوچیز دیگر را مطرح کرد، یکی اینکه با داکتر عبدالله نمی رویم. دوم اینکه معاونیت اول ریاست جمهوری را میخواستند که این درخواست عملی نبود و شرایط افکار عمومی داخل و خارج آنرا پذیرا نبود. سال پیش ژنرال عبدالرشید دوستم، احمد ضیا مسعود رهبر جبهه ملی، محمد محقق رهبر حزب وحدت مردم ائتلاف سیاسی را به نام جبهه ملی ساختند. محقق در این نامه توضیح داده است که چرا از نامزدی احمد ضیا مسعود حمایت نکرد. " طی جلسات که با کشورهای ذیدخل در قضیه افغانستان داشتیم به شمول کشورهای شرقی و غربی هر قدر که احمد ضیا را مطرح میکردیم هیچ کدام شان در انتخابات آینده بالای ضیا لنگر (نظر حمایتی) نداشتند. پس چطور میتوانستیم با کسی تیم بسازیم که نه حمایت داخلی دارد و نه مقبولیت بین اللی. و در بخش دیگر این نامه توضیح داده است که چگونه در یکی از جلسات احمد ضیا مسعود قهر میکند و به جلسه نمی آید و وقتی همراهان سیاسی او میخوانند به خانه احمد ضیا بروند مطلع میشوند که او در راه روی همه بسته است و حاضر نیست هیچ کس را ببیند" در نوشته محقق دو نکته قابل توجه است یکی قرآن خوردن آن ها و بعد قرآن شکنی آن ها که شامل همه آنها میشود. و نشان میدهد که آنها به هیچ تعهدی پایبند نیستند و هر طرف که بیشتر استخوان برای شان داد همان طرف میروند. و نکته دوم جلسات محقق که با کشورهای شرقی و غربی داشت و کشورهای متذکره گویا لنگر حمایتی بالای ضیا مسعود نداشتند (و حتماً لنگر حمایتی بالای داکتر عبدالله دارند) این گفتار محقق واضح و روشن میسازد که محقق یکی از جاسوسان و مزدوران کشورهای غربی و شرقی سرمایه داری است که در مسئله افغانستان باهم در ائتلاف و چانه زنی قرار دارند و از حمایت آن ها برخوردار است. همچنان این گفتار محقق واضح میسازد که انتخاب رئیس جمهور افغانستان بدون حمایت کشورهای غربی و شرقی بورژوازی امکان ندارد و باید از طرف آنها برگزیده و پشتیبانی شود. این نوشته محقق به این حقیقت اشاره میکند که مردم هیچ گونه نقشی در انتخابات ندارند و انتخابات چال و نیرنگی بیش نیست و فقط به خاطر فریب مردم صورت میگیرد و پوششی است برای تصمیمات پشت پرده امپریالیست ها که هر کسی را بخواهند به مسند ریاست جمهوری نصب میکنند. و متباقی کاندید های شکست خورده را هم با توتی ای استخوانی خوش میسازند. نیروهای انقلابی و مترقی افغانستان در صورت که بتوانند ائتلاف های سیاسی خویش را به سطح تشکیلاتی و حزبی ارتقا دهند و بایک برنامه درست مبارزاتی دست به کار شوند میتوانند کارهای مؤثری را در جهت آزادی کشور انجام دهند.

مرگ بر انتخابات قلابی و فرمایشی دولت دست نشانده

به پیش در راه وحدت همه جانبه نیروهای (م-ل-م) افغانستان